payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۷۰۳
یکشنبه / ۱۳ مهر / ۱۳۹۹
۱۶ / صفر / ۱۴۴۲
04 / October / 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۸۲۸ - ۲۲۵۳۴۲۴۳ - ۰۲۶۲ فکس: ۲۲۵۵۳۸۲۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

قاب سبز

خیالت

بی تو از هر در و دیوار چه دردی که نریخت
بر سرم خاطره آوار شد و یاد تو ریخت

بی تو هر بار که با بغض به باران نگرم
اشک لرزید و خیالت ز سرم باز گریخت

محبوبه یوسف پور

خبر

مولانا از نگاه روس زبان‌ها در اقصی نقاط جهان

همزمان با هشتم مهرماه روز بزرگداشت مولانا جلال الدین رومی، هشتاد و سومین شماره مجله الکترونیک «کاروان» به زبان روسی و در فضای مجازی منتشر شد و با مقالات، مطالب و اشعار محققان، نویسندگان و شعرای روس زبان از اقصی نقاط جهان درباره مولوی، جلوه هائی دیگر از عمق حضور و نفوذ مولانا در جهان را به نمایش گذاشت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهر کتاب، در پی فراخوانی که از حدود دوماه پیش در شماره ۸۱ این مجله برای مشارکت محققان و اهالی ادب و فرهنگ روس زبان در تهیه ویژه نامه ای به مناسبت روز بزرگداشت مولانا منتشر شد، شمار زیادی از مقالات، نوشته ها و اشعار علاقمندان به این روح شیدای همه دوران‌ها دریافت شد و حاصل آن در هشتاد و سومین شماره از مجله الکترونیکی کاروان که همزمان با روز بزرگداشت این عارف و شاعر بزرگ جهان اسلام منتشر گردید، در اختیار علاقمندان روس زبان فرهنگ، هنر و ادبیات ایران قرار گرفت.

در این شماره از مجله الکترونیکی کاروان نوشته هائی از محققان، نویسندگان و شاعران روس زبانی از مناطق مختلف فدراسیون روسیه مثبه جزیره کریمه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، سوئیس، ایالات متحده آمریکا، بلغارستان و لتونی ایعاد مختلفی از زندگی و آثار مولانا را به تصویر کشیده است.

از نکات جالب در این شماره از مجله، مشارکت دانش آموزان مدرسه ای در مسکو با ارسال اشعار کودکانه خود که با الهام از لیاتی از مولانا سروده اند است.

الکسی فیلیمونوف، میخائیل سینانیکوف، میخائیل یاستریوف و الکساندر یالتین از جمله شاعران و مترجمان معاصر روس اند که اشعار و ترجمه های آنان از مولوی در این شماره از «کاروان» منتشر شده است.

تأثیر فوق‌العاده‌ی تصویرهای جذاب در کتاب‌های داستان و آموزشی کودکان

گسترش فرهنگ و مطالعات بر اساس پژوهشی که اخیراً پژوهشگران دانشگاه کارنگی در انگلیس به انجام رسانده‌اند، تصاویر کتاب‌های کودک و کیفیت و خلاقانه بودنشان، نقش شگفت‌آوری در ثبت مطالب در ذهن کودکان و سرعت یادگیری آنان بازی می‌کند.

به گزارش پیام آشنا، سی ام یو گزارش می‌دهد که براساس نتایج این پژوهش، اریک تیسن، رئیس دانشکده روان‌شناختی که در این پژوهش در نقش سرپرست گروه همکاری می‌کرده، می‌گوید: «کتاب‌های مصور سرعت و دقت یادگیری کودکان را به‌طرز چشمگیری افزایش می‌دهد.»

براساس نتایج این تحقیقات که در مجله روان‌شناسی توسعه در انگلیس به چاپ رسیده استفاده درست و مؤثر از تصاویر می‌تواند از همان کودکی سبب ایجاد علاقه به مطالعه در کودکان شود. تیسن اضافه می‌کند: «همچنین نباید از گزینه پاداش و جایزه در ایجاد انگیزه برای مطالعه و یادگیری در کودکان غافل شد. کودکان زمانی بهتر یاد می‌گیرند که انگیزه کافی برای خواندن در آن‌ها وجود داشته باشد و چنین انگیزه‌ای زمانی در آن‌ها پدیدار خواهد شد که در سال‌های نخست زندگی، علاقه به خواندن به‌درستی در آن‌ها شکل بگیرد.»

همچنین براساس پژوهش‌های متخصصان علوم عصبی، کتاب‌های الکترونیک با محتواهای چندرسانه‌ای همچون انیمیشن و تصویر نیز در ساختار حافظه و تمرکز کودکان نقش بسیار پررنگی بازی می‌کنند.

براساس اسکن‌های مغزی دو گروه از کودکانی که متخصصان عصب‌شناسی همگار با این تیم تحقیقاتی تهیه کرده‌اند، دوپامین مغز در گروه کودکانی که کتاب‌های مصور در اختیار آن‌ها قرار داده شده بود نسبت به گروهی که کتاب‌های فاقد تصویر به آن‌ها داده شده بود بیشتر بود.

تصاویر به‌کاررفته در کتاب‌های داستانی و همچنین کتاب‌های درسی سبب ترشح هورمون‌های مغزی و به‌ویژه دوپامین می‌شود که این امر تقویت حافظه و تسهیل فرآیند یادگیری را در پی دارد.

خاطره

امروز با حافظ

در آمدی ز در م کاشکی چو لمعه نور
کـه بر دو دیده ما حکم او روان بودی
ز پرده ناله حافظ برون کی افتـادی
اگر نه همدم مرغان صبح خوان بودی

خاطره

جان و دلم ساکن است
ز آنکه دل و جانم
اوست

مولانا

اذان کرج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۴۱	۰۶:۰۶	۱۱:۵۶	۱۷:۴۵	۱۸:۰۲

برگه

شکست خوردن سخت است اما سخت تر از شکست آن است که هرگز برای موفقیت تلاش نکنیم.

تئودور روزولت

خبر

آغاز طرح «پاییزه کتاب۹۹» از ۵ آبان

مدیرعامل موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران از اجرای طرح «پاییزه کتاب۹۹» از ۵ آبان ماه خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، ایوب دهقانکار گفت: با مساعدت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح «پاییزه کتاب۹۹» از دوشنبه(۵آبان ماه) تا دوشنبه(۱۲ آبان ماه) به مدت هشت روز همزمان با سراسر کشور در کتابفروشی عضو طرح برگزار می‌شود.

دهقانکار با تاکید بر اینکه در پانزدهمین دوره طرح توزیع یارانه کتاب از طریق کتابفروشی‌ها، سقف مجاز برای هر خریدار افزایش ۲۵درصدی خواهد داشت، گفت: در این دوره هر خریدار می‌تواند تا سقف ۲۰۰ هزار تومان کتاب بخرد.

مدیر عامل موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران افزود: همه‌گیری ویروس کرونا، باعث آسیب به کتابفروشان و ناشران شده است که امیدواریم اجرای طرح‌های فصلی به رونق کتابفروشی‌ها و ترغیب مردم به تهیه کتاب‌های با صرف هزینه کمتر کمک کند.

گزارش

رئیس انجمن شنوایی کشور:

سیستم آموزشی ما پاسخگوی نیاز کشور نیست

رضا قاسم پور

جهت هدغمند کردن جلسات انجمن اولیا و مربیان و در آستانه روز ناشنوایان دورهمی با حضور زوجی از اولیای فرهیخته شهیدستان کرج: دکتر علی قهرمانی (رئیس انجمن شنوایی کشور) و دکتر فتاحی (دکترای بیوتکنولوژی) برگزار کردیم تا نگاهی به فراسوی آموزش و پرورش ایران داشته باشیم

در این نشست سؤالاتی در حوزه‌های آموزش و پرورش مدرن ایران، عدالت آموزشی در مدارس رنگارنگ، هجوم به رشته‌های پزشکی، رضایت شغلی و رابطه آن با تحصیلات، میزان پاسخگویی سیستم آموزشی به تقاضای بازار، معیارهای انتخاب رشته و شغل طرح می‌گردد. در لابه لای برنامه مباحث مشارکتی و تعاملی بین حضار رخ می‌دهد.

قهرمانی در ابتدا با اشاره به دشواری ساخت سیستم می‌گوید: تلاش ما برای ایجاد پارادایم فکری است، نه لزوما ساخت سیستم. سیستم آموزشی ما پاسخگوی نیازها و وضعیت اشتغال در جامعه نیست. دروس تکراری و غیر کاربردی دوران تحصیل در مدرسه و بدتر از آن در دانشگاه رابطه دیالکتیکی با بازار کار و مطالبات آن نداشته و خروجی مدرسه و دانشگاه مشکلی از مشکلات جامعه ما را حل نمی‌کند.

دانشگاه‌های ما نیز محلی برای تولید مدرک بوده و البته هیچ دانشگاهی در ایران نتوانسته مشکلات منطقه محل استقرار خود را حل و فصل نماید. ساختار آموزشی ما از مدرسه تا دانشگاه بیمار و فعل بوده و پذیرش فلهای دانشجویان به ویژه در دوره تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) عملا هرم تقاضای منابع انسانی کشور را وارونه کرده است. خروجی دانشگاه‌ها افرادی مدعی با انتظارات بالا و فاقد مهارت‌های شغلی و اجتماعی هستند.

قهرمانی در ادامه با مقایسه سیستم آموزشی ایران و آلمان (دو کشور که از نظر جمعیتی هم‌سنگ هستند) می‌گوید: در آلمان محتوای آموزش بر اساس نیاز بازار بوده و تراکم روی رشته‌های فنی و مهارتی است، در حالی که ما با پیش فرض مربضی هشتاد و چند میلیون ایرانی همگی در ماراتن کنکور پزشکی فعالیم‌اما در برخورد با نوجوان و جوانان شکاک باید مبانی تعامل و مدارا را بشناسیم.

در آلمان رقابت‌های تارُوا برای بالا رفتن از تردبان شغلی سازمان‌های عمدتا دولتی نیست و امنیت ذهنی و شغلی در آن کشور حاکم است. در سیستم آموزشی ما واگرایی مسئولی بوده و این سیستم بر اساس واقعیات و نیازهای جامعه کار نمی‌کند. در آلمان تقریبا یکدستی و عدالت آموزشی وجود دارد، در حالیکه در ایران ۱۷ نوع و به روایتی ۲۳ نوع مدرسه طبقاتی در حال فعالیت است.

در حوزه دانشگاه وضعیت از این هم بدتر است؛ تهادها و سازمانها هر کدام برای خود یک دانشگاه، دانشکده و حداقل مراکز علمی کاربردی تاسیس کرده و در صحنه جذب نیرو متقاضیان برون سازمانی و کسانی که فارغ‌التحصیل سایر دانشگاه‌ها هستند، عملاً هیچ شانسی در جذب چنین مراکز اشتغالی نخواهند داشت.

قهرمانی در پاسخ به سؤال یکی از حضار در خصوص معیارهای انتخاب رشته با اشاره به تحصیلات و هژمونی دکتر شریعتی به عنوان یک سوپر روشنفکر در دوره معاصر ایران و جهان می‌گوید: شریعتی ابتدا معلم ادبیات بوده و سپس در دانشگاه سوربون فرانسه شاگرد اول رشته تاریخ ادیان می‌شود. رشته ای که هیچ کدام از ما رغبتی به خواتش آن نداریم ولی شریعتی به علاقه و انگیزه وافر این رشته را احیا نمود. در واقع این علاقه و پشتکار است که به رشته و شغل اعتبار می‌دهد، نه اینکه شغل برای شخص اعتبارآفرین باشد.

قهرمانی وظیفه معلم و مدرسه را کار انگیزشی با بچه‌ها دانسته می‌گوید: گمشده سیستم آموزشی ما تربیت انسان می‌باشد.

در ادامه سوالی از شکافهای بین نسلی و تعارضات رفتاری طرح می‌شود، قهرمانی در پاسخ می‌گوید: ما نباید در مقابل جریان اجتماعی که از در و دیوار وارد می‌شود مقاومت تعصبی کرده و مانع حرکت نسل جدید باشیم. بلکه باید تا حد امکان با تغییرات طبیعی نسلها همراه شده و آرزوهای برباد رفته خود را در فرزندانمان جست و جو نکنیم. در آلمان رقابت‌های تارُوا برای بالا رفتن از تردبان شغلی سازمان‌های عمدتا دولتی نیست و امنیت ذهنی و شغلی در آن کشور حاکم است.

وی در پاسخ به مقوله دین‌گریزی در مدارس می‌گوید: ما به دیانت عالمانه محتاجیم. دانش‌آموزی که در مسائل دینی به مرحله شک می‌رسد در ابتدای انتخاب عالمانه است و مکاشفه حقیقت قدم بعدی اوست. ما در برخورد با نوجوان و جوانان شکاک باید مبانی تعامل و مدارا را بشناسیم.

در پایان خانم دکتر فتاحی نیز با مشارکت در بحث می‌گوید: هر پیشرفتی که در جامعه انسانی متصوریم حاصل ایده پردازی یک انسان خلاق می‌باشد. قدرت ذهن انسان در ایده‌پردازی بی‌نهایت بوده و ما باید شرایط را برای عملیاتی کردن ایده‌های سودمند نسل جدید فراهم کنیم

او با اشاره به لزوم آگاهی به تحولات جهانی می‌گوید: ما باید فکر جهانی داشته باشیم. علم و تکنولوژی در دنیای متمدن در حال رسیدن به دوره بلوغ خود بوده و قطار علم منتظر کسی نمی‌ماند. نوجوانان باید با مطالعه هدغمند انرژی خود را مصروف انگیزه‌ها و علایق انسانی خود کنند.

گزارش

آرامش در موزه ملی ایران

همه چیز آن طور که برنامه‌ریزی کرده‌اند پیش می‌رود حتی نیازی به در نوبت ایستادن نیست. آن قدر خلوت است که به نظر نمی‌رسد حتی در روزهای بین هفته‌ای قبل از کرونا هم موزه ملی ایران چنین خلوتی‌ای را به خود دیده باشد. اما خلوتی این موزه در روز جهانی گردشگری آن هم در مقایسه یا دیگر کاخ‌موزه‌های تهران تعجب‌برانگیز است و البته آرامش‌بخش.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، موزه ملی ایران را شاید بتوان از معدود موزه‌هایی دانست که از زمان شیوع کرونا در کشور با برنامه‌ریزی منظم و رعایت پروتکل‌های تصویب‌شده توسط وزارتخانه میراث فرهنگی و پروتکل‌های مخصوص موزه مادر ایران تلاش کرد تا علاوه بر حفاظت از آثار موزهای به حفاظت از جان موزه‌داران نیز توجه کند؛ هر چند تعداد حضور بازدیدکنندگان در روزی که بازدید از موزه‌ها رایگان است، نسبت به دیگر فضاهای موزه‌ای دست‌کم تهران مانند سعدآباد و گلستان بسیار کمتر است.

طبق آن‌چه از خرداد و از زمان بازگشایی موزه‌ها، موزه ملی ایران به صورت رسمی اعلام کرده تلاش کرد تا علاوه بر رعایت پروتکل عمومی پژوهشکده حفاظت و مرمت، با تهیه پروتکل اختصاصی، بازدید از موزه مادر ایران را که از ۲۹ اسفند برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا تعطیل شده بود در هفت نوبت طبقه‌بندی کند.

مسئولان این موزه در آن زمان تاکید کردند که در تلاش‌اند تا به صورت تدریجی و پلکانی سالن‌های نمایشی موزه را بازگشایی کنند. در مرحله نخست از چهارم تا نهم خرداد صرفا «نمایشگاه کشفیات باستان‌شناسی سال ۱۳۹۸» گشایش یافت و از دهم خرداد موزه ایران باستان از دوره آغاز عیلامی تا پایان دوران ساسانی در طبقه همکف قابل بازدید شد.

هر چند تا حدود یک هفته قبل موزه ملی ایران بازدید از طبقه نخست موزه ایران باستان را در دستور کار داشت، سرانجام چند روز قبل از هفته گردشگری و روز جهانی گردشگری، اقدام به باز کردن دو تالار دیگر موزه دوران اسلامی کرد و در روز جهانی گردشگری مخاطبان موزه‌ای می‌توانستند از طبقه نخست موزه ایران باستان و دو تالار موزه دوران اسلامی بازدید کنند.

تعیین مسیر مشخص بازدید، تاکید نگهبان ورودی هر تالار مبنی بر میزان ساعت بازدید و تاکید بر لزوم استفاده از ماسک تا مدت زمان پایان حضور در هر کدام از تالارهای موزه‌ای مهمترین نکاتی هستند که همه موزه‌داران موزه مادر ایران نسبت به آن حساسیت دارند. حتی با وجود خلوتی تالار موزه، بازگشت از مسیر بازدید توسط بازدیدکننده مراقبان و نگهبانان موزه را وادار به واکنش و تذکر دادن می‌کنند؛ تا در مسیر شلوغی و هرج و مرج پیش نیاید.

اما طبق تاکید مراقبان موزه‌ای در صورتی که گروهی قصد بازدید از موزه را داشته باشند باید به دسته‌های شش‌نفره تقسیم شوند و اجازه حضور تعداد بیش از ۱۰ نفر در تالارهای موزه به بازدیدکنندگان داده نمی‌شود.

این قوانین بر موزه دوران اسلامی نیز حاکم است و به دلیل خلوتی فضای موزه‌ای دیگر نیازی به تذکر دادن نیست و امکان بازدید البته با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به راحتی و بدون هیچ دغدغه‌ای از حضور افرادی که گرفتن عکس و سلفی آن‌ها را از رعایت پروتکل‌ها منع می‌کند، امکان‌پذیر است.

پرده‌جراید

سه شیفت کاری نویسنده مشهور برای گذران زندگی

دنیای اقتصاد- نامش احمد اعطا بود اما بلسم احمد محمودمی شناختندش بی‌تردید یکی از قله‌های داستان‌نویسی ایران است. نویسنده‌ای که در دوران حیاتش آن‌قدرها که لایقش بود قدر ندید حالا که سال‌ها از مرگش گذشته کتاب‌هایش مدام تجدید چاپ می‌شوند و برنامه‌ها در بارهاش برپا می‌شود.

سه شیفت کاری نویسنده مشهور برای گذران زندگی

این رسم روزگار است. چهره‌های برجسته ایرانی معمولا بعد از مرگ قدر می‌بینند. زندگی‌اش پر بود از فراز و نشیب؛ پر بود از رنج در کتاب‌هایش به روشنی این رنج‌ها را بازتاب داده است. همه عمر برای گذران زندگی کار کرد می‌گفت: «چهارم دی‌ماه ۱۳۱۰ در اهواز به‌دنیا آمدم. در جوانی گرفتار امر سیاست شدم و بعد زندان و زندان و تبعید. سال ۱۳۳۶ که رها شدم وضعیت دگرگون شده بود. با همه اشتیاقی که داشتم نشد و نتوانستم به تحصیل ادامه دهم. پس نیمه‌درس خوانده باقی ماندم. بی‌قراری و ناسازگاری وجوه مشخص روزگار جوانی من بود. همین بود که در هیچ کاری نتوانستم پایدار باشم. اگر بنا باشد مشاغلی را که داشتم تعداد کنم از بیست می‌گذرد.»

اهل مصاحبه نبود. علاقه‌ای به تبلیغ آثارش نداشت. شریف بود و گوشه‌نشین. با این حال درباره زندگی‌اش فیلمی ساخته شده با عنوان محمود، نویسنده انسان‌گرا. ساخته بهمن مقصودلو که آقای نویسنده در آن از سختی‌های زندگی‌اش می‌گوید. کتابی هم منتشر شده به کوشش لیلی گلستان با عنوان «حکایت حال». لیلی گلستان درباره شکل‌گیری این کتاب می‌گوید: من احمد محمود را با کتاب همسایه‌ها شناختم ولی خود ایشان را نمی‌شناختم تا اینکه یک روز وارد کتاب‌فروشی من در دروس شد. از اینجا دوستی ما شروع شد.

وقتی کتاب «مدار صفر درجه» درآمد من آن را یک‌ماهه خواندم. دلم می‌خواست پس از خواندن کتاب با ایشان صحبت کنم و با اطمینان گفتم می‌خواهم با شما مصاحبه کنم که تبدیل به کتاب شود. نپذیرفت و گفت من هرگز مصاحبه نکرده‌ام و نخواهم کرد و تشکر کردم از صراحتش. بعد گفتم یک قلم بردارید و شماره تماسم را بنویسید شاید بعدا با من تماس گرفتید. از آن خنده‌های بلند کردند و من بغض که چرا این اتفاق نیفتاد. بعد از سه ماه تلفن من زنگ خورد و قاه قاه خندیدند و دعوت مصاحبه من را پذیرفتند. خانه ایشان بسیار ساده و دوست‌داشتنی بود. انگار که خانه خودم بود. روی زمین نشستیم نه روی مبل. چهارشنبه‌ها ساعت ۱۰ می‌رفتم و سه ماه هر چهارشنبه ساعت ۱۰ خدمت ایشان بودم. در طول این مدت من خیلی چیز یاد گرفتم و خیلی به من افزوده شد. اوایل اطمینان نمی‌کردند ولی بعد از جلسه چهارم گفتند خوب شد و سیگار پشت سیگار خاموشی نداشت و گفتند نباید سیگار بکشم ولی می‌کشید. صحبت‌هایی که کردیم خیلی خوب بود. من پرسیدم شما آدم‌های کتابتان را چقدر می‌شناسید؟ چون اینها زیاد حرف نمی‌زنند ولی خیلی آشنا هستند. گفت کارآکترهای من آدم‌هایی هستند که وجود دارند...

گفتم شما یک قلم را زمین می‌گذارید شب‌ها؟

گفت: من شب وقتی قلم را زمین می‌گذارم که فردا بدانم می‌خواهم چه بنویسم

با مداد می‌نوشت. همیشه ۱۲ مداد تراشیده داشت. راجع به سلنور پرسیدم و جواب داد من خودم را سلنور نمی‌کنم؛ من می‌نویسم؛ می‌دهم به آنها که سلنور می‌کنند.

بابک اعطا پسر احمد محمود هم در یک مصاحبه درباره پدرش می‌گوید: پدر من برخلاف بسیاری از کسانی که با رسیدن به شهرت خانواده خود را فراموش می‌کنند هیچ‌گاه فراموش نکرد کانون خانواده مهم‌ترین اصل است. به خانواده آن‌قدر وابستگی داشت که برای بسیاری از آشنایان غیرقابل باور بود. در واقع در خانه کاملا یک مرد سنتی بود. برنامه کاری بسیار منظمی داشت. هر روز طوری برنامه‌ریزی می‌کرد که ساعت هفت و نیم پشت میز کارش بود و از آن افرادی نبود که تا دیر وقت می‌خوابند. می‌گفت نویسنده باید مانند یک فرد اداری کار کند. هر روز باید سر وقت بیدار شوم و به کار بپردازم. معمولا تا ظهر کار می‌کرد و بعدازظهر را به مطالعه و ملاقات با دوستان می‌گذراند. وقتی هم که می‌نوشت دیگر هیچ‌کس را نمی‌دید. اگر روی یک رمان خاص کار می‌کرد سعی می‌کرد از بعدازظهرها هم استفاده کند. وقتی کارش تمام می‌شد و از پله‌ها بالا می‌آمد فقط پدر خانواده بود. آن‌قدر که گاه ما هم باورمان نمی‌شد او یک داستان‌نویس مشهور است. یادم می‌آید وقتی بچه بودیم پدرم برای گذران زندگی ما سه جا کار می‌کرد و تازه اواخر شب به نوشتن می‌پرداخت.

سیامک اعطا پسر بزرگ این نویسنده نیز در مصاحبه‌ای درباره پدرش گفته است: رژیم گذشته آن‌گونه که شایستگان بود با او برخورد نکرد و او را در بند کرد برخورد این چنین با پدر در سال‌های بعد هم تکرار شد و ما چهار فرزند نویسنده چاره‌ای نداشتیم جز آنکه در هاله‌ای از ابهام آمدنش را انتظار بکشیم

دلتنگی‌ها و رنج‌هایش را در کتابی قطور هم نمی‌توان گنجاند. همیشه دغدغه‌های مردمی محروم را در سر داشت که در گرمای طاقت‌فرسای جنوب با آنها زیست و همان‌ها قهرمانان داستان‌های واقع‌گرایانه‌اش شدند. آنها همواره همراهش بودند. باور کنید وقتی تصویرش را می‌بینم دلم برای آن روزها که با او بودم تنگ می‌شود. آن روزها فکر نمی‌کردم روزی روزگاری به سر بیاید.